



میان دانش و معنویت، به گمان برخی دیود نوافرنانداپذیر حجاب افکنده است. برخی دیگر این حجاب را جعلی و موهوم می‌پندارند. برخی هم گمان می‌برند که این حجاب، از طریق تعریف نویی از دو مفهوم علم و معنویت، پرورش یافته و پدیدار شده است. سنت گرایان از جمله معاصرانندی که بر نسبت میان این دو مفهوم، فروان را اندیشیده‌اند، به تبع، سید حسین نصر که بر جستجی پر نظریه پردازان این مکتب است منتقدانه شنیدنی در این باب دارد. در مقاله حاضر که شکل مختصری از نظر وی در خصوص سالگرد تولد لابی لاما رهبر بوداییان تبت، (دهلی نو - ۱۹۹۵) است، مفصل و عمیق عرضه مدلی برای همگرایی علوم و معنویت اصرار می‌ورزد. گفتنی است که اصل این مقاله، اول بار در نشریه sophia از گان مشهور سنت گرایان، منتشر شده است و اینک به پارسی درآمده است.

در دنیای که بحث وجدال و مناظره در سلوح مختلف از امور معنوی و فکری گرفته تا جسمی و مادی تار و پودش را از هم گسخته است، آنها که خواستار ایجاد صلح و سازش هستند عمدتاً برقراری نوعی توافق بین دانش و معنویت، چشم انداز معاصر در حقیقت مشخون از چنین تلاشی است که غالباً اینگونه می‌بینی بر نیت خیر است (لکن) تنها بر بحران دنیای امروز ما می‌افزاید.

سپاری از این تلاشها از رو و خالات را جایگزین واقعیت و تفریاف و دیدگاههای مبهم را جایگزین حقیقت و شفافیت می‌کنند و این خود به تنهایی می‌تواند سبب جعل را چونان بسترکننده کند همچون که سایه‌های مانع دیدن امر مورد توجه، برخی که طریق پیش رویش تا حد زیادی در اثر نبود فهم تفانده در معاصر انداز معاصر در حقیقت مشخون از چنین پیامدهایش و حکمت ناشی از وحی، تأمل یا اشراق، خطرناک شده است. است، آشنایی با دانش و معنویت، مشخصه به اصطلاح ذهنیت عصر جدید، غرب و پیشگیری از شرق نشانیان غربی شده است که بدون تعریف روشنی از مفاهیم مربوط و شیوه‌های علم مریخ در محدوده مبرهن آنچه باید منسجم و متحد شود، لب به سخن می‌گشاید این مسأله خود یکی از منابع فقه‌نازاری، ناهماهنگی و اختلاف در دنیای است که در این فهم عقلانی که در برابر شاخه‌های نامشروع فلسفی، خاصه سنتهای هنری پیوسته بوده است) به آسانی قریب‌بمانی توافق‌های مبهم و اخلال گرانه می‌شود. عاید این امر چیزی جز اختلاف و ناسازگاری نیست و اینجاست که فرد، ما را به جای عذاب اشتباه می‌گیرد.

موضوع رابطه علم و دین، یا رابطه دانش و معنویت (به گفته آنها که چندین تاملی به استفاده از اصطلاح این ندارند) به دلایلی بسیار اهمیت است، آن هم در دنیایی که از یک سو علوم طبیعی بیشتر بر فیهر غلبه بر طبیعت منبتی است تأمل در واقعیت مسلیک وجود شناختی آن (و طرف آنکه این گونه از علم به عنوان نشانه شروع در اولویت قرار گرفته و تقریباً در مسند نشسته و کاملاً از بیان برخوردار است و دست اندرکاران این علم نیز در برابر توده‌های مردم مسلمان کنشهای اند که بر حیات انسانی حاکمیت و اختیار مطلق دارند و حتی معانی آن را تعیین می‌کنند. از سوی دیگر، آنها که در همان بافت انسانی تنیده شده اند همچنان زیانمند و در جست و جوی معنویت و هر گونه تنیده ناشی از به کارگیری علوم مدرن که متوجه حیات انسانی است تا سبب تشدید این تمایل و نیاز می‌گردد. نمود این مسأله را می‌توان در اجایی دین در سراسر دنیا و روی هر چه بیشتر اشکال فیزیومی و بی‌معنویت نیز در کوشی‌های فاضی و پانهاجر تعالیم شرقی، حتی در بخشهای فوق العاده سکولار جامعه غرب ملاحظه کرد. بنابراین، در سایه چنین شرایطی لازم است پیش از آنکه حویلی معنای دقیق واگرایی یا همگرایی شیوه‌ها، مرد خود را از علم و معنویت در بافت گشتمان حاضر مشخص کنیم. چندین دشوار نخواهد بود که بتوانیم علم را با استفاده از فهم رایج از اصطلاح علم در زبان انگلیسی تعریف کنیم، اما این کار در فرانسه و آلمانی که دو واژه science و wissenschaft حوزه معنایی کلی تری

رؤیای همگرایی میان دانش و معنویت

حال دربرگیرنده است و منشأ سلسله مراتب هستی و مراتب وجود کلی است. در مقابل، واقعیت از نگاه علم مدرن، مفهوله است که می‌توان آن را به تأیید تجربه رساند. هراتیج فراتر از تجربه باشد از نامی توان به لحاظ علمی شناخت. ما به بیان دقیق تر، اهمیت ندارد. واقعیت از جهت غیر موجود است. امرواف جزایان هندوئیسم، آتمن، نایدیه شال. خود. آنکه علم مدرن یکسر، به علم به مابا یا دقیق تر، علم به مریه ایست تا این است و با در اصطلاح بوداییسم، جودی سمسارای، (خرچیده ای) حتی. اگر تا کیهکشان امتداد یافته باشد. امرواف از طریق روح و منبع وحی و عقل و یا کمک بودیهی شناخته می‌شود این در حالی است که جهان بینی علم مدرن به هیچیک از این دو منبع و نیز از منکر متافیزیکی و هستی شناختی ملزم آنها وفق نمی‌نهد، هر چند که ممکن است لزوماً تک تک اندیشمندان مدرن چنین دیدگاهی نداشته باشند.

معنویت اصیل همواره ناظر به تمایزی اساسی است بین اصل و مظاهر آن، بین آتمن و مایا، نیروها و سمسارای، که حجاب که پنهان است اما اسماء و صفاتش بر ما آشکار است. در واقع مبنای تمام فلسفه‌های سنتی، تمایز بین امر مطلق و امر نسبی و شناخت نسبی در پرتوی مطلق است. علم مدرن با انکار معنای متافیزیکی و مطلق کردن امر نسبی، نوهیبا مایا را به جای واقعیت اشتباه گرفته است، گناه بزرگ و سنگین آن نیز همان است که در بودیسم اسناد غلط خوانده می‌شود. در نتیجه، جهان بینی علمی نه تنها امر مطلق را بی نقشه انکار می‌کند بلکه منکر وجود سلسله مراتب وجود فراتر از ماده، ذهن، روان، حسی و روحی و منکر سنجی بنابر آتمن البته دستاوردهای علم مدرن که با جنبه ای از واقعیت متعلق پذیر دارد به لحاظ متافیزیکی بی اهمیت به بنامه نظریه‌های نوجوم نیست، بلکه همان واقعیت واقعی است واقعیت تا آنجا که این دستاورد مایا مظهر و سمسار واقعیت مطلق درسی آن باشد و همه چیز در جهان علمی است بر مبنای علم مدرن معنویت مطلق. این حقیقت دقیقاً به آنچه در وای محدودیتهای علم مدرن نهفته است مربوط است و نمی‌توان آن را صرفاً از زبان یک فیلسوف فیمید، خوده او خود یک دانشمند باشد یا نباشد. پیش از آنکه از بحث واگرایی بین معنویت و علم مدرن دور شویم لازم است مجدداً تأکید کنیم که معنویت اصیل در نهایت در گروی تزلزل روح بر مبنای اصولی ثابت و لاتغییری است. افزون بر این، علم مدرن بر مجموعه ای از مقدمات متغییری است اما این مقدمات از مکتوبات نازل نمی‌شوند بلکه ساخته شده توسط فیلسوفان اند. فیلسوفان عناصر تشکیل دهنده پارادایمی را ساخته‌اند که علم مدرن از سده هفدهم تاکنون در آن جولان می‌دهد.

شکفت آنکه، حتی در چند دهه گذشته بود که ابتدای علم مدرن که جهان بینی خاص و پارادایم واقعیت مادی است که بر برخی محافل پذیرفته شد، و این در حالی است که عمده افراد تحصیلکرده مدرن همچنان معتقدند که دین با معنویت بر ایمان منبتی است و در مقابل، هر چه برخی فرضیات در مورد ماهیت واقعیت و علم را عقل مشاهده تشکیل می‌دهد. در واقع، هر دو خود در برپایه ایمان و در کالبدی از علم قرار می‌دهند که برای دین، حقیقت و برای علم فرضیات منبایی و تقابلاً مادی است. تفاوت عمده این است که در یک مورد، آموزه‌ها بر خاسته از نظام لاتغییری الهی است و دیگری بر گرفته ناشی از فلسفه‌های تجربی و عقلی است که نتایج آن لزوماً فراتر از انسان نمی‌دود. و از آنجا که پیامد این فلسفه‌ها انکار فراسان است، انسان را در معرض خطر سقوط به وره ای بیست تا از انسان و انسانیت قرار می‌دهد. اینکه علم نمی‌تواند منشأ الهی جهان را نقطه انجم آن را پذیرد به دلیل معرفت شناسی بسیار متفاوت و نیز دیدگاههای کاملاً دگرگونی است که نسبت به واقعیت و مقدمات آن دارد و در اصطلاح ادیان ابرهیمی باید گفت که علوم معنوی فراتر از ماهیت فیزیکی و فنانپذیر نفس انسانی قرار دارند و معیاده نامی نمودناظر به آنچه جهت حیات انسان را تشکیل می‌دهد، باشد.

زمانی که معیارهای سنتی منبتی بر واقعیت و قوانین مربوط به تجلی آن (که در سنتهای مختلف نظیر هندوئیسم، بودیسم، مسیحیت و اسلام وجود دارد) مورد انکار قرار می‌گیرد، هراتیج که بتوان آن را امرواف دانست و نیز اصطلاح معنویت، به معنای (شرقی) و مفصل خود را از اصطلاح علم مدرن جدا می‌دهد.

لایبرنت گسترده عالم روانی یا ملکوت (عرش) نورانی روح اشتباه گرفته می‌شود و گونه ای از اصطلاح معنویت برخاسته از این خلط را می‌توان با تقریباً هر چیزی که حاوی علم باشد، پیوند داد.

بنابراین، در بحث حاضر، مراد ما از معنویت، آن بعد معنوی و درونی ادیان است که به تجربه آتمن سی‌پودا، بعدی بی‌شکل که می‌توان آن را با ظهور مستقیم تجربه کرد و هر چند فراتر از مقولات ذهنی است اما به هیچ وجه صد عقل نیست. در مقابل، اگر عقل را اصطلاح Buddhi یا intellectus و نه عقل جنسی (سایکس) صرف و در نظر بگیریم، معنویت و غفلانیت و دو موله جدایی ناپذیر خواهند بود.

پرا دانتین به بحث وود همگرایی ویا واگرایی بین معنویت و علم است و زمانی از تعریف غلط دارد که معنویت را در این معنا بفهمیم و نه در معنوی سهمی که در پرزادنده تقریباً همه چیز از جمله [عناصر] روانی ویا حتی عناصر شیطانی است.

به فرض، که امر اینطور باشد، این بحث در ادامه خود را به فهم سنتی از معنویت محدود می‌کند، فیمید که در هر صورت تفاوت مذهب از در تواریفات چرا که دست کم شاکلار، اکهارت، مولوی، هونن، میلیاسیا و چنگ (اگر نخواهیم از بیسکستون بزرگ معنویت در سایر سنتها از جمله بودیسم، زردشت، کنتوسوس و شمنیزم نام ببریم) که در خود جای داده است. نظر به این تعریف، پیش از آنکه پرسید که تقابلاً واگرایی بین معنویت و دانش کدامند؟ مسلماً اولی (همه مسأله ادراک واقعیت قرار دارد واقعیت، در معنویت سنتی همزمان مفهوله ای منطقی، درونی (ظرفی)، فرارونده و آئی است اما در تمام موارد فراتر از هر طبقه بندی و مفهوم سازی ذهنی است. واقعیت فراتر از حوزه روانشناختی - فیزیکی است. ولی در عین حال این حوزه را نیز درمی‌گیرد. درگ آن به مثابه موجودی محصور غیر ممکن است چرا که هیچ قدرت فاعله امر بی نهایت را ندارد.

با این همه، عقل به مثابه نیرویی الهی که جایگاه آن کانون وجود ماست می‌تواند واقعیت را شناسد. واقعیت غایی، مطلق و بی نهایت است، خیر متعال و منبع تمام خیرات است. اوموجودی فرارونده و در عین

سید حسین نصر ترجمه: علیرضا ضایع



اصطلاح اول بار در این زمان در میان محافل کاتولیک با رقت اصطلاح که اخیراً کاربرد وسیعی یافته است، عمدتاً جایگزینی برای دین و نود برخی مفهوله ای در تقابل با دین در نظر گرفته می‌شود. واژه‌های کارفته در زبانه‌های شرقی برای تعریف معنویت معمولاً بیانگر آنند که اصل این کلمه (معنویت) از Spirit یا Spirita گرفته شده است. اما در دنیای مدرن که روح را به مثابه یک امر عینی و واقعیت وجود شناختی انکار می‌کند و آن را روان اشتباه گرفته است، معنویت به چه معنا است؟ در اغلب موارد، این اصطلاح متضمن اشتیاقی مبهم به معنا و تجربه نبوت، است. اما در عین حال با غفلت از حقیقتی که روح خود را درن براساس پاره ای از اصول و تنها در سنتهای بزرگ انسانی، متجلی می‌سازد، به تجربه روانشناختی بسنده می‌کند و اگر کتاب مقدس می‌گوید: «روح آنجا حضور دارد که می‌خواهد»، این تنها استثنایی است مؤید عاقد.

<p>فول چارتر کاسپین</p> <p>دبی</p> <p>هتل های ۵، ۴، ۳ ستاره</p> <p>کیش، بلیتجان</p> <p>۲۲۲۲۲۲۴</p>	<p>پروازهای مستقیم</p> <p>بودروم</p> <p>مارماریس</p> <p>آنتالیا</p> <p>تایلند چین</p> <p>۷۷۵۲۳۲۲۸</p>	<p>کوش آداسی</p> <p>دبی</p> <p>استانبول ۳۳۹/۰۰۰</p> <p>وقت و سرویس سفارت</p> <p>۸۸۹۲۰۰۰</p>	<p>فول چارتر</p> <p>آنتالیا</p> <p>مارماریس</p> <p>کلیتر</p>
<p>تایلند</p> <p>مسکو چین</p> <p>۶۶۹۴۴۰۸۰</p>	<p>دبی</p> <p>کیش</p> <p>قبرس</p> <p>۸۸۹۲۲۰۵۶</p>	<p>تایلند</p> <p>چین</p> <p>۸۸۹۱۳۶۵۷</p>	<p>فول چارتر</p> <p>آنتالیا</p> <p>مارماریس</p> <p>کلیتر</p>
<p>تیسرین</p> <p>تهران</p> <p>۸۴۸۱۳۲۰۱۶</p>	<p>تایلند</p> <p>چین</p> <p>۲۲۲۲۷۵۶۷</p>	<p>تایلند</p> <p>چین</p> <p>۶۶۹۲۰۹۷۰</p>	<p>فول چارتر</p> <p>آنتالیا</p> <p>مارماریس</p> <p>کلیتر</p>

تورهای ارزان تابستانی

آنتالیا هتل ۳ ستاره / فقط ۳۸۵۰۰۰۰

استانبول هتل ۳ ستاره / فقط ۵۳۹۰۰۰۰

مارماریس فقط ۲۲۰/۰۰۰

بدروم فقط ۲۲۰/۰۰۰

تایلند - مالزی - سنگاپور

تور آنتالیا ۷ شب

فقط ۳۹۹۰۰۰ تومان

تورهای ارزان تابستانی

آنتالیا - مارماریس - بودروم - استانبول

دوبی GITEK

تایلند چین

استانبول - آنتالیا - بودروم - مارماریس

ستاره الهیه الهیه، مریم زهری ۲۲-۵۲-۱۱

بدروم کوش آداسی

آنتالیا

ایام تعطیل یاز است

مارماریس - بودروم - کوش آداسی

آنتالیا - از میر

ایام تعطیل یاز است

ziloو

کیش

ایام تعطیل یاز است